

کوبو آبه

# آدم ماهی

مترجم: شیوا مقانلو

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

نیما:

سرشناسه: آبه، کوبو، ۱۹۲۴-۱۹۹۳ م. Abe, Kobo
عنوان و نام پدیدآور: آدم‌ماهی؛ مترجم شیوا مقلو.
مشخصات نشر: تهران: نشر نیماژ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۷۴۵-۶
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Inter Ice Age 4
موضوع: داستان‌های زایتی -- قرن ۲۰ م.
موضوع: 20th century -- Japanese fiction
شناسه‌ی افزوده: مقلو، شیوا، ۱۳۵۴، مترجم. Moganloo, Shiva
رده‌بندی کنگره: ۸۴۵ PL رده‌بندی دیویی: ۸۹۵/۶۳۵
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۶۶۶۵۹

کوبو آبه

آدم‌ماهی

مترجم: شیوا مقلو

نشر: نیماژ

ویرایش: تحریریه‌ی نشر نیماژ

مدیر هنری و طراح گرافیک: محمد جهانی مقدم

لیتوگرافی: نقش‌آور / چاپ‌وصحافی: فارابی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰ / تیراژ: ۵۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-367-745-6

نیماژ

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان لبافی‌نژاد، شماره ۱۸۴، تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

- 📄 Nimajpublication
- ✉ Nimajpublication@gmail.com
- 🌐 www.nashrenimaj.ir
- ☎ ۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است.

## مقدمه‌ی مترجم

علاقه‌مندان به ادبیات غنی و جذاب ژاپنی نام‌های بزرگی چون کازونو ایشی گورو<sup>۱</sup> و هاروکی موراکامی<sup>۲</sup> را به‌خوبی می‌شناسند و تحسین می‌کنند، اما شاید یادآوری‌اش مهم باشد که سال قبل‌تر رمان‌نویسان ژاپنی چهره‌ی قدرتمند و پیشگامی دارد که این بزرگان معاصر با بردوش او گذاشته‌اند. این چهره کسی نیست جز کوبو آبه.

کوبو آبه<sup>۳</sup>، با نام اصلی کیمی فوسا<sup>۴</sup>، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس و موزیسین و عکاس خلاق ژاپنی در سال ۱۹۲۴ در توکیو به دنیا آمد و در ۱۹۹۳ از جهان رفت. او که به دلیل شغل والدینش، در منچوری و نقاطی غیر از توکیو بزرگ شد، می‌گوید: "من اساساً آدمی بدون زادبوم هستم و در اعماق احساساتم هراس از زادبوم نهفته است. تمام چیزهایی که برای آدم‌ها حس ثبات ایجاد می‌کند، برای من آزارنده است." و عجیب نیست که این هراس از سرزمین مادری و زمین محکم زیر پا، در رمان حاضر نیز به‌خوبی مشهود است.

- 
1. Kazuo Ishiguro
  2. Haruki Murakami
  3. Kobo Abe
  4. Kimifusa

آبه در دانشگاه سلطنتی توکیو پزشکی خواند، هم به خواست پدرش که او نیز پزشک بود، و هم برای فرار از خدمت سربازی؛ چرا که دانشجویان پزشکی از رفتن به جنگ معاف بودند. درحالی که بسیاری از نسل جوان و دوستان او که دانشجوی رشته‌های علوم انسانی بودند اجباراً به خدمت رفتند و در جنگ کشته شدند. البته پزشکی هرگز نقشی در آینده‌ی او نداشت جز اینکه دیدی علمی برای تحلیل و قضاوت جهان نصیبش کرد. بینشی که در آثارش، به خصوص کتاب حاضر، نمودی بارز دارد. خودش می‌گوید مسئولان دانشکده او را پس از چندبار انصراف شخصی، تنها با این شرط فارغ‌التحصیل کردند که هرگز طبابت عملی نکند!

آبه نوشتن داستان را در آخرین سال دانشگاه شروع کرد. هم‌زمان با دختری هنرمند که طراح صحنه بود ازدواج کرد و با او به عضویت چندین گروه هنری درآمد. این دو در ساختمان بادگانی بمباران‌شده در حومه‌ی توکیو ساکن شدند و مرد جوان برای گذران زندگی به دست‌فروشی رو آورد. در سال‌های جوانی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی برای آبه هل‌هل بود و مدتی به عضویت حزب کمونیسم درآمد، اما خیلی زود راهش را جدا کرد. یکی از دلایل این جدایی سیاست‌های کلی شوروی در کشورهای بلوک شرق بود که مورد اعتراض شدید آبه قرار گرفت. دلیل دیگر، تردید او به ارزش واقعی آثار ادبی و هنری بود که تحت عنوان مکتب رنالیسم سوسیالیستی تولید می‌شدند.

اولین رمان آبه با نام تابلوی راهنمای انتهای خیابان در سال ۱۹۴۸ چاپ شد. به دنبالش و در سال ۱۹۵۱ با نوشتن داستان جنایت س. کاروما جایزه‌ی ادبی آگوتا کاوا را دریافت کرد؛ اما در سال ۱۹۶۲ و با رمان درخشان زن در ریگ روان بود که به شهرتی بین‌المللی دست یافت. در سال ۱۹۷۱، آبه به همراه همسرش استودیوی بازیگری آبه را در توکیو تأسیس کرد که خیلی زود به پایگاهی امن برای جوانان نوگرایی تئاتر ژاپن تبدیل شد. او با اعضای کارگاهش تا سال ۱۹۷۹ چهارده نمایشنامه نوشت و به صحنه برد. آبه در نوشتن فیلمنامه‌های اقتباسی از روی

آثارش، از جمله فیلمنامه‌ی زن در ریگ روان نیز با سینماگران همکاری داشت. او تعداد زیادی داستان کوتاه، شعر و مقالات ادبی نوشته است؛ همچنین نمایشنامه‌های درخشانی مثل دوستان دارد که این اثر، جایزه‌ی معتبر تانیزاکی را نیز ربوده است. از معروف‌ترین رمان‌های آبه می‌توان به چشمان سنگی - ۱۹۶۰، چهره‌ی دیگری - ۱۹۶۴، آدم جعبه‌ای - ۱۹۷۲، دفتر یادداشت کانگورو - ۱۹۹۱ و مرد پرنده - ۱۹۹۴ اشاره کرد.

آبه در سال ۱۹۷۷ به عضویت آکادمی علوم و هنرهای آمریکا درآمد. دیگر نویسنده‌ی بزرگ هم‌وطنش یعنی کنزابورو اوئه در وصف آبه، او را یکی از مهم‌ترین نویسندگان مدرن ژاپن دانسته که راه را برای ربودن نوبل ادبیات توسط ژاپنی‌ها باز کرد؛ گرچه خودش این جایزه را - با اینکه نزدیکش شده بود - نگرفت. آبه نگاهی بسیار نو و پیشرو داشت، و از بیان غریب‌ترین مضامین و شگفت‌ترین موضوعات در قالبی ادبی، نمی‌هراسید. مضامین آثارش معمولاً نشانگر هراسی پنهان است که از مواجهه‌ی انسان‌های به ظاهر عادی با هم حاصل می‌شود. داستان‌های آبه از فضاهایی واقع‌گرا و عادی شروع می‌شوند اما به تدریج و با حفظ همان روال عادی، خواننده را به فضای مالیخولیایی و غیرعادی می‌برند و با سوالاتی اساسی در مورد چیستی انسان و ماهیت زندگی روبه‌رو می‌کنند.

رمان حاضر، با نام اصلی چهارمین عصر بینایخ، بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ به شکل پاورقی در مجله‌ی سکای به چاپ رسید. (از آنجاکه نام اصلی ممکن بود این شبهه را ایجاد کند که کتاب نه یک رمان بلکه کتابی نظری است، نامش را تغییر دادم). این رمان ترکیبی از ژانرهای مختلف علمی/تخیلی/جنایی است، اما در عین حال چیزی فراتر از جمع جبری آن‌هاست که سوالات فلسفی مهمی را مطرح می‌کند. منتقدان این کتاب را نقطه‌عطفی در ادبیات علمی/تخیلی ژاپن دانسته‌اند که چنان عناصر علمی بدیعی دارد که قبل از آبه هیچ رمان‌نویسی به سویش نرفته بود. در عین حال جذابیت و گیرایی داستان به حدی است که خواننده هرگز حس نمی‌کند